



احکام اخیر دستگاه قضائی علیه کارگران ، جلوه ای از دیکتاتوری امپریالیستی

بعد از ماه ها حبس و بازجویی و شکنجه کارگران مبارز هفت تپه و فعالین اجتماعی حامی آنان ، بالاخره دستگاه قضائی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی احکام سنگینی شامل حبس های طولانی مدت همراه با شلاق در مورد آنان صادر نمود.

بر همگان آشکار است که کارگران سراسر ایران و از جمله کارگران هفت تپه جهت دریافت دستمزدهای پرداخت نشده خود و در اعتراض به سیاست خصوصی سازی که موجب باز گذاشتن دست سرمایه داران زالو صفت جهت مکیدن آخرین قطره خونهای کارگران و تحمیل شرایط کاری مصیبت بار به آنها گردیده و همچنین در اعتراض به برخی از ستم ها و اجحافات دیگر نظیر عدم پرداخت حق بیمه، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و محروم کردن کارگران از حق تشکیل صنفی و غیره دست به تجمع و راهپیمائی در شهر می زنند. اما این اعمال به حق، که کارگران به واقع جهت دفاع از حقوق انسانی و انسانیت خویش به آنها دست می یازند در نزد دیکتاتوری جمهوری اسلامی جرم محسوب می شوند.

مجرم خواندن کارگران مبارز هفت تپه و از جمله اسماعیل بخشی به عنوان نماینده آنان و صدور احکام سنگین علیه این کارگران توسط دست اندرکاران قضائی جمهوری اسلامی از یک طرف مبین ترس و وحشت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از مبارزات کارگران - که صرف نظر از این که به خواست های بلاواسطه شان دست می یابند یا نه، تأثیرات انقلابی دراز مدت و تجربیات گرانبھائی به جای گذاشته و می گذارند- می باشد، و از طرف دیگر حاوی این پیام به طبقه کارگر ایران است که باید صد در صد تسلیم ظلم ها و مصیبت هائی باشند که سرمایه داران بر آنان تحمیل می کنند و پاسخ مبارزات حق طلبانه آنان جز سرکوب های ددمنشانه در اشکال مختلف و از جمله زندان و شکنجه نخواهد بود. با درک این واقعیت است که می توان به مفهوم سلطه یک "دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز" در ایران که از ماهیت وابستگی رژیم به امپریالیسم ناشی می شود پی برد. این آگاهی قبل از هر چیز شکست مفتضحانه راه های اصلاح طلبانه ای که امروز کسانی با عنوان های فعالین مدنی و غیره (بخوان اصلاح طلبان غیر حکومتی) با امیدوار نگاه داشتن مردم به مبارزه در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی تعقیب می کنند را یادآوری می کند. از طرف دیگر با درک تفاوت دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر ایران با استبداد های دوران گذشته و از جمله استبداد تزار دوره لنین می توان درستی نقد چریکهای فدائی خلق ایران به نیروهای به اصطلاح "سیاسی کار" را نشان داده و به آنها تأکید کرد که دیکتاتوری حاکم بر ایران هرگز امکان نه تشکیل شوراهای کارگری، نه کمیته های اعتصاب و از این قبیل را نمی دهد و تنها راه تسهیل شرایط برای تشکل کارگران حتی در حوزه مسایل صنفی، مبارزه مسلحانه جهت تضعیف دیکتاتوری حاکم و به زبان دیگر شکاف انداختن در این دیکتاتوری به منظور بسیج و سازماندهی کارگران و همه توده ها برای انقلاب می باشد.

پس از اعلام احکام سنگین علیه کارگران توسط قاضی مقیسه، بازی جدیدی با اعلام دستور جلاد ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی و یکی از افراد دستور دهنده کشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷، مبنی بر رسیدگی "منصفانه" در مورد "برخی از پرونده های اخیر" ، به راه افتاده است. این دستور که در بهترین حالت در خدمت تقویت راه و روش های اصلاح طلبانه قرار دارد به خیال خود می کوشد فتیله آتش خشم کارگران هفت تپه و دیگر کارگران و نیروهای مبارز جامعه را پائین کشیده و بحث های بی ثمری را در مورد مدت محکومیت و غیره (جائی که اساساً خود آن محکومیت ها محکوم است) توسط "فعالین مدنی" ظاهراً طرفدار کارگران در جامعه دامن زند.

چریکهای فدائی خلق ایران هر گونه اعلام جرم و محکومیت برای کارگرانی که با جسارت تحسین بر انگیز برای احقاق حقوق خود به پا خاسته و بر می خیزند را محکوم می کنند و یک بار دیگر حمایت خود را از کارگران زندانی هفت تپه و همچنین کارگران فولاد اهواز و دیگر کارگرانی که در سراسر ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی به بند کشیده شده اند را اعلام می کنند. اعمال دیکتاتوری و سرکوب عریان و عنان گسیخته در ایران از حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته در کشور ما نشأت می گیرد. راه مقابله با این دیکتاتوری، مبارزه جهت نابودی این سیستم ظالمانه و وحشی می باشد.

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد!

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹ شهریور ۱۳۹۸ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۹